

چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه ۱۴۰۱ • ۱۴۴۴ صفر ۲۴ • 21 Sep 2022



نگاهی به رسانه‌ها

بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

تعداد کل محتوا : ۳۳



روزنامه

۳۳

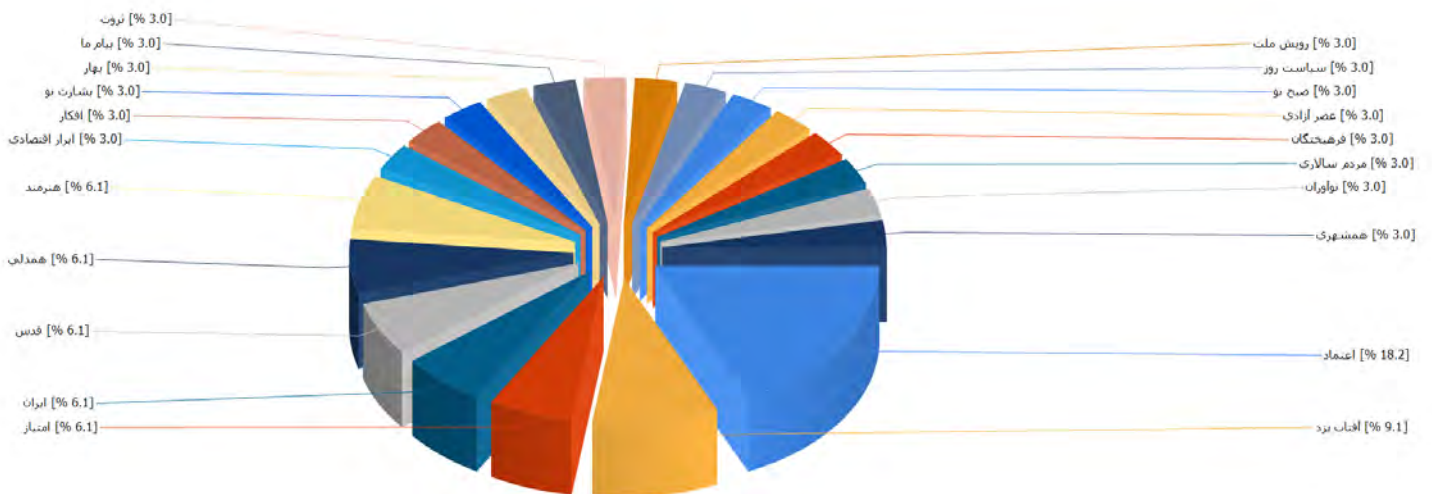
روزنامه: 100.00 %



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۸/۲	۶	اعتماد	۱
۹/۱	۳	آفتاب یزد	۲
۶/۱	۲	امتیاز	۳
۶/۱	۲	ایران	۴
۶/۱	۲	قدس	۵
۶/۱	۲	همدلی	۶
۶/۱	۲	هنرمند	۷
۳/۰	۱	ابراز اقتصادی	۸
۳/۰	۱	افکار	۹
۳/۰	۱	بشارت نو	۱۰
۳/۰	۱	بهار	۱۱
۳/۰	۱	پیام ما	۱۲
۳/۰	۱	ثروت	۱۳
۳/۰	۱	رویش ملت	۱۴
۳/۰	۱	سیاست روز	۱۵
۳/۰	۱	صبح نو	۱۶
۳/۰	۱	عصر آزادی	۱۷
۳/۰	۱	فرهیختگان	۱۸
۳/۰	۱	مردم سالاری	۱۹
۳/۰	۱	نوآوران	۲۰
۳/۰	۱	همشهری	۲۱
۱۰۰	۳۳	جمع کل	

نمودار فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب شد	افکار
۸	دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب شد	امتیاز
۹	مهدی کاموس به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر نوجوانان منصوب شد	هنرمند
۱۰	«انتظار» در شهرزاد	آفتاب یزد
۱۱	«تن سایه»؛ روایت هایی عاشقانه در بستر جنگ	آفتاب یزد
۱۲	آثار ارزشمند سینمای کودک کم هستند	آفتاب یزد
۱۳	بیشتر اُفت داشتیم تا «خیز»	ابرار اقتصادی
۱۴	«پدر»، اقتباسی که هزارتوی ویران آرزایمر را روی صحنه آورده / در جست و جوی واقعیت از دست رفته	اعتماد
۱۵	«لحظه ها و همیشه» روی صحنه می رود	اعتماد
۱۶	«هر جا آب هست، ویرانی است...» در سپند	اعتماد
۱۷	روایت هایی عاشقانه در بستر جنگ	اعتماد
۱۸	کانون پرورش فکری، کارخانه استعدادیابی	اعتماد
۱۹	نقد رضا بابک به عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری / بیشتر اُفت داشتیم تا خیز	اعتماد
۲۰	«انتظار» در شهرزاد	امتیاز
۲۱	تئاتر بیشترین شباهت را به زندگی دارد	ایران
۲۲	یک قدم از هزاران قدم	ایران
۲۳	جریان تئاتر اربعین شکل گرفته است	بشارت نو
۲۴	جریان تئاتر اربعین شکل گرفته است	بهار
۲۵	چهارمین حضور بین المللی نمایش «آشویتس زنان»	پیام ما
۲۶	بیشتر اُفت داشتیم تا «خیز»	ثروت
۲۷	در نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری / رضا بابک: بیشتر اُفت داشتیم تا خیز	رویش ملت
۲۸	در نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری / رضا بابک: بیشتر اُفت داشتیم تا خیز	سیاست روز
۲۹	اشکان خطیبی «سفن‌دیار رویین تن» می شود	صبح نو
۳۰	فرهنگ و هنر جامعه نشان دهنده شعور اجتماعی و سطح دانش یک جامعه می باشد	عصر آزادی
۳۱	پخش تله تئاتر بهتر از فیلم و سریال بی کیفیت است	فرهیختگان
۳۲	اشکان خطیبی «سفن‌دیار رویین تن» می شود	قدس
۳۳	رقابت ۴۸ نمایش در نوزدهمین جشنواره عروسکی	قدس
۳۴	رضا بابک در نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری / بیشتر اُفت داشتیم تا خیز	مردم سالاری
۳۵	نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری	نوآوران
۳۶	اشکان خطیبی «سفن‌دیار رویین تن» می شود	همدلی
۳۷	ما برای ساخت تئاتر عروسکی مکان دائمی نداریم	همدلی
۳۸	رقابت ۸۴ اثر در جشنواره نمایش عروسکی	همشهری
۳۹	مسافر آستانه دبیر «استعدادیابی بازیگری» شد	هنرمند



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



با حکم مدیر کل هنرهای نمایشی؛ دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب شد



با حکم مدیر کل هنرهای نمایشی، مهدی کاموس به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب شد.

به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، کاظم نظری با صدور حکمی مهدی کاموس نویسنده، پژوهشگر و مدیر دفتر انتشارات و پژوهش اداره کل هنرهای نمایشی را به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب کرد. در متن این حکم آمده است: نظر به توانایی و شایستگی های علمی جناب عالی به موجب این حکم به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب می شوید.

امید است در این دوره ضمن همکاری با اعضای هیات علمی منتخب برای این همایش، تقویت، شناسایی و معرفی پژوهش های برتر تئاتر برای نوجوانان با اهتمام جدی جنابعالی و همکاران موجب ارتقای این رویداد از طرق گفتمان سازی علمی در مسائل و چالش های اساسی تئاتر برای نوجوانان فراهم شود.

دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب شد

روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، کاظم نظری مدیر کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور حکمی مهدی کاموس، نویسنده، پژوهشگر و مدیر دفتر انتشارات و پژوهش اداره کل هنرهای نمایشی را به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب کرد. در متن این حکم آمده است:

«جناب آقای مهدی کاموس
با سلام و احترام

نظر به توانایی و شایستگی‌های علمی جنابعالی به موجب این حکم به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب می‌شوید. امید است در این دوره ضمن همکاری با اعضای هیات علمی منتخب برای این همایش، تقویت، شناسایی و معرفی پژوهش‌های برتر تئاتر برای نوجوانان با اهتمام جدی جنابعالی و همکاران موجب ارتقای این رویداد از طرق گفتمان‌سازی علمی در مسائل و چالش‌های اساسی تئاتر برای نوجوانان فراهم شود.»





با حکم مدیرکل هنرهای نمایشی: مهدی کاموس به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر نوجوانان منصوب شد



با حکم مدیرکل هنرهای نمایشی، مهدی کاموس به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب شد. کاظم نظری با صدور حکمی مهدی کاموس نویسنده، پژوهشگر و مدیر دفتر انتشارات و پژوهش اداره کل هنرهای نمایشی را به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب کرد.

در متن این حکم آمده است: نظر به توانایی و شایستگی‌های علمی جناب‌عالی به موجب این حکم به عنوان دبیر همایش ملی تئاتر برای نوجوانان منصوب می‌شوید.

امید است در این دوره ضمن همکاری با اعضای هیات علمی منتخب برای این همایش، تقویت، شناسایی و معرفی پژوهش‌های برتر تئاتر برای نوجوانان با اهتمام جدی جناب‌عالی و همکاران موجب ارتقای این رویداد از طرق گفتمان‌سازی علمی در مسائل و چالش‌های اساسی تئاتر برای نوجوانان فراهم شود.

«انتظار» در شهرزاد

نمایشنامه خوانی «انتظار» به کارگردانی پیمان چراغی ۲۹ (دیروز) و ۳۰ شهریور ماه (امروز) در پردیس تئاتر شهرزاد اجرا می شود. به گزارش مهر، در خلاصه متن این نمایش آمده است: گفته بودی شهید یعنی چه پسرم! جنگ چیز خوبی نیست ... فرزند یک شهید به نام فرهاد که در شرف ازدواج است، بر سر سه راهی قرار گرفته و باید انتخاب سختی کند.

«تن سایه»: روایت‌هایی عاشقانه در بستر جنگ

نمایش از دکور، آکسسوار و اتفاق‌های صحنه‌ای چندان استفاده نمی‌شود و از آنجا که روایت قصه است، برپایه توانایی بازیگران است و بیشتر دیده و شنیده می‌شود. به گزارش هنرآنلاین، او در پایان صحبت‌هایش درباره استقبال مخاطبان از «تن سایه» یادآور شد: متأسفانه به دلیل مشکلاتی از قبیل کاهش توانایی مالی مردم برای خریدن بلیت و همچنین حال و هوای کلی جامعه، مخاطبان تئاتر کمتر از گذشته شده است. با این حال استقبال مخاطبان برام رضایت‌بخش است، به نظرم این نمایش در شرایط و موقعیت کنونی باید دیده شود چرا که «تن سایه» عاطفه معکوسی از دردی که انسان‌ها می‌بینند به آن‌ها می‌دهد.

ایزود و روایت‌هایی عاشقانه در بستر جنگ است. در این فضا از دست‌دادن‌ها و فاجعه‌هایی برای انسان‌ها رخ می‌دهد که همراه با غم و فارغ از آرامش و عشق است. یاسین‌زاده مدت زمان تمرینات نمایش را دو ماه عنوان کرد و درباره زمان و مکان اتفاقات آن یادآور شد: جز یکی از شخصیت‌ها دیگران نامی ندارند و زمان و مکانی برای این اثر مشخص نشده است. این نویسنده و کارگردان با اشاره به اینکه «تن سایه» بر اساس تلفیقی از توانایی بازیگران و فضا پیش می‌رود، درباره سبک و فضای اجرایی نمایش اظهار کرد: نمایشنامه بسیار رئالیستی است و براین اساس بازی‌ها نیز این‌گونه است اما فضای اجرایی بسیار مینیمال است. در این

نمایش «تن سایه» نوشته و کار مریم یاسین‌زاده و تهیه‌کنندگی احسان حاجی‌پور از دهم شهریور ساعت ۲۱:۱۵ در سالن شماره دو پردیس تئاتر نسپند روی صحنه است. مریم مومن، علیرضا جلالی‌تبار، سمن قناد، آناهیتا خسروی، حسین جاهد و محمد زندوکیلی بازیگران نمایش هستند. یاسین‌زاده درباره روند شکل‌گیری نمایش «تن سایه» گفت: تقریباً سه سال پیش با یکی از دوستانم در حال بررسی فجایعی بودم و سپس آن فاجعه‌ها را وارد فضای جنگ و شروع به نگارش نمایشنامه کردم. او با بیان اینکه نمایش کمی ترازوی و دردناک است، درباره موضوع و مضمون آن عنوان کرد: «تن سایه» نمایشی مونولوگ در پانزده

رضا بابک:

آثار ارزشمند سینمای کودک کم هستند

بود. اما در ۲۰، ۳۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و توک کارهای درخشان هم داشته‌ایم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و چه در دیگر مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تأملی است. او البته معتقد است وجود موانعی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی‌تاثیر نبوده و یادآوری می‌کند: در گذشته، هنرمندان حرفه‌ای نمایش‌های کودک را اجرا می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند. بابک تأکید می‌کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت‌های این گروه سنی را در نظر بگیریم و به همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می‌کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه‌های بعد از آن زمینه‌ای برای فعالیت هنرمندان حرفه‌ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه رو به رشد خواهد رفت. به گزارش ایسنا، این هنرمند که از آغاز شکل‌گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می‌دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگلستان یک دست هم نمی‌رسد. در جستارهای فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می‌شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان رو به رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.



«در گذشته، هنرمندان حرفه‌ای نمایش‌های کودک را اجرا می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند»

ما در اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر

رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد. هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می‌کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرشناس بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند. برای تشکیل این گروه به چند جوان پر انرژی و پر انگیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند. بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرضیه برومند، رضا بابک، بهرام شاه محمدلو، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد. این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان آمریکایی و با حضور نویسندگانی سرشناس همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «ترب»، «کوتی موتی»، «عقاب»، «شاپرک خانوم»، «خورشید خانوم آفتاب کن» (نوشته رضا بابک) شد. بابک در تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال‌های آغازین فعالیت خود تا به امروز طی شده، می‌گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می‌کردیم، بسیار حرفه‌ای‌تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودکان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می‌کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با مضامین امروز نمایش‌های کودک بود. ضمن اینکه شکل اجراهای ما خیلی کودکانه نبود. او یادآوری می‌کند: بعد از کانون هم نمایش‌هایی مانند «لردوز و کلاغ‌ها» یا «کدو قلقلی» را کار کردیم که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت. بابک تأکید می‌کند: خودستایی نباشد ولی مدعی هستم نمایش‌هایی که

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۹:۳۷

رضا بابک:

بیشتر افت داشتیم تا «خیز»



که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت.

بابک تأکید می‌کند: خودستایی نباشد ولی مدعی هشتم نمایش‌هایی که ما در اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر بود. اما در ۲۰، ۳۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و توک کارهای درخشان هم داشته‌ایم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و چه در دیگر

رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این سال‌ها افت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر افت داشته تا خیز. به گزارش ایسنا، رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد.

هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می‌کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرشناس بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند.

برای تشکیل این گروه به چند جوان پر انرژی و پر انگیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند.

بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرضیه برومند، رضا بابک، بهرام شاه محمدمدلو، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد.

این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان آمریکایی و با حضور نویسنده‌های سرشناس همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «ترب»، «کوتی موتی»، «عقاب»، «شاپرک خانوم»، «خورشید خانوم آفتاب کن» (نوشته رضا بابک) شد.

رضا بابک و بهرام شاه محمدمدلو در کتاب خاطرات خود به تفصیل درباره تشکیل این گروه و فعالیت‌های آن پرداخته‌اند که در گزارش‌های بعدی به آن می‌پردازیم.

مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تأملی است.

او البته معتقد است وجود موانعی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی‌تأثیر نبوده و یادآوری می‌کند: در گذشته، هنرمندان حرفه‌ای نمایش‌های کودک را اجرا می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند.

بابک تأکید می‌کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت‌های این گروه سنی را در نظر بگیریم و به همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می‌کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه‌های بعد از آن زمینه‌ای برای فعالیت هنرمندان حرفه‌ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه رو به رشد خواهد رفت.

این هنرمند که از آغاز شکل‌گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می‌دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می‌شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان رو به رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۹:۳۷

محمدحسین گوردزی

کار کردن روی نمایش نامه «پدر» فلورین زلر، بعد از محبوبیت نسخه سینمایی این متن به کارگردانی خود زلر و شهرتش در اسکار، چیزی شبیه به دیوانگی است و مستعد پس زده شدن. هرچند در فضای نمایشی کنواخت و میان سیل آثار مشابه، خود ریسک پذیری یک گروه تئاتر در این روزها قابل اعتناست، اما ظرفیت‌های نمایشی و چشم‌گیر «پدر»، بحث را از جسدات و نوجوسی گروه این نمایش فراتر می‌برد و متوجه نکات برزودرستی می‌کند که اجرای آرون دشت‌آرای را به یکی از مهم‌ترین اجراهای سال، با درخشان‌ترین بازی‌ها و یک حضور فراموش‌نشده‌ای از رضا کیانیان تبدیل کرده نمایشی که می‌تواند تورا به شک بیندازد، پترساند و به یادت بیاورد، تاجه اندازه زیست تو در جهان، در گروه مفهوم حافظه است. اجرا کردن متن «پدر» در هر مدیومی، وابسته به تصمیم اصلی سازندگان برای درونی کردن آرایم در زندگی یک پیر مرد است. همه دعوا بر سر این است که چگونه می‌شود این فراموشی را از معادق بیرونی به لحظات درونی منتقل کرد و ارتقا داد؛ اینکه فراموشی، از نمایش «مصائب زندگی یک فرد مبتلا به آلزایمر» به سمت نمایش «جهان انتزاعی یک ذهن فراموشکار» حرکت کند؛ مثلن فراموشی، کار را در این خلاصه نکند که آدم‌های مبتلا به آلزایمر وسایلشان را گم می‌کنند، اطرافیان‌شان را نمی‌شناسند و از این دست مصداق‌ها، در توضیح یک وضعیت (تفاهلی که برای «گمش‌هایم کو؟» پورا احمد افتاد). خود زلر در نسخه سینمایی‌اش، یک اصل کلی را مینا قرار می‌دهد: گرفتن نماهای بسته و محرک‌ها و تعویض لنزهای انتزاعی دوربین، برای آنکه کاراکتر را از بخش مهم‌تری از خانه دور بیندازد و در درک مناسبات جغرافیایی آبارنمان، ذهن مرد را دچار اختلال کند. کار یکدست فلورین زلر در کارگردانی آن فیلم، با مداخله آبارنمان و تکنیک‌های سینمایی به دست می‌آید.

«پدر»، اقتباسی که هزار توی ویران آرایم را روی صحنه آورده در جست‌وجوی واقعیت از دست‌رفته

زلر، با رفت‌وآمد متناوب میان سوئیت سوئیت و ایزکتیو، رابطه آن‌تنسی هاپکینز با محیطش را منتقل می‌سازد. حالا اگر مشکوک می‌سازد، همین اتفاق در تئاتر و روی صحنه خواهد رخ بدهد، چه در نسخه سینمایی، زلر



چندبار نقطه تعین تماشای حوادث را عوض می‌کند، ترفی سینمایی و البته قدرت‌مند در فضا سازی آبارنمان انجام می‌دهد تا همه چیز گنگ و فراموش شده به نظر برسد. زلر منام به تفاوت‌های دنیای ذهنی مرد و جهان واقعی پیش روی مخاطب فکر و تلاش می‌کند دست «دکوپاز» را بگیرد و به «آرایم» برساند. مسیر بکر دشت‌آرای اما معکوس است. در نمایش دشت‌آرای، این آلزایمر است که از اولین لحظه شروع نمایش، به همه ابعاد اجرا نشسته پیدا کرده. یک سفر از بیرون به درون است و نه برعکس؛ یک اقتباس به تمام معنا، متناسب با ظرفیت‌ها و شناسنامه تئاتر. در این جا، خود «جهان» به واسطه طراحی صحنه، از همان ابتدا قطعیتش را از دست داده و به شمال نمادینی از ساختار یک ذهن فراموشکار در آمده. مهم‌ترین برگ برنده کار دشت‌آرای، همین طراحی صحنه است؛ بخشی که در همه این سال‌ها، نقطه اتکای محکمی برای اجراهای این کارگردان بوده؛ چه در آن اتاقک‌های تفکیک‌شده و قطعی در انجم ده سال قبل «تن تن و راز قصر مونداس» و چه در همین «پدر» که حالا در حوالی چهل سالگی طرح-کارگردان خلاق، بر است از تردید، عدم قطعیت و تعین دیوارهای متحرک که به راحتی نسبت به هم آرایش

هم که شده از آن خودش کند، درست چند لحظه بعد از آن پذیرش تلخ؛ همان جا که به پرستار می‌گوید احساس می‌کند دارد برگ‌ها و شاخه‌هایش را از دست می‌دهد. آن لحظه از نمایش، لحظه قطعیت بخشیدن به همه اپراهای طول نمایش و به آغوش کشیدن واقعیت‌هایی است که پیش از آن بس زده می‌شده؛ انگار که این پذیرش، تنها در انتهای مسیر و بازگشت به اول سبکل (سن کودکی) امکان پذیر باشد این فصل مال خود کردن گوی‌ها را با امتن و فیلم زلر مقایسه کنید. ایده دشت‌آرای (خوابیدن روی زمین، تلاش برای جمع کردن از دست‌رفته‌ها در قالب رفتار کودکانه)، تکان دهنده‌تر از منبع اثر است و مبالغه‌ای تئاتری، برای آخرین خطوط متن زلر، جاپسای آن‌تنسی هاپکینز از هم گسیخته ذهن آندره نزدیک و تشبیه می‌کند. مخاطب دشت‌آرای، وارد ذهن آندره نمی‌شود، بلکه جهان را همان‌طور می‌بیند و همان اندازه به مختصات اطرافش مشکوک می‌شود که آندره. نمایش «پدر» حرکت از بسن به ذهن است؛ از جهانی که مثل دیوارهای متحرک، می‌تواند هر لحظه تغییر وضعیت بدهد، چند متر این سمت و آن سمت برود و تورا به شک بیندازد که واقعیت زندگی‌ات چه بوده و به فکر فرو ببرد که تنها نیستی در این دنیا، چون هنوز چند نفری را می‌شناسی (تشبیه به رویکرد فرانک کاپرا به میزانسن در «چه زندگی شگفت‌انگیزی»). تغییر موقعیت‌های صحنه با ورود دسته‌جمعی اهالی پشت صحنه هم، درست در همین رویکرد اجرای دشت‌آرای حل شده و «ترس»، دقیقن از همان جا شروع می‌شود: جهانی که کافی است یک لحظه سرت را برگردانی، تا دیگران دنیا را به شکل دلخواه‌شان در بیاورند. جهانی با چنین خصیصه‌هاست که در آن، موسیقی روی اجرا هم انگار نوز می‌اندازد و از همراهی منسجم با واقعیت عاجز است. واقعیت، مثل گوی‌های آخر نمایش، تکه تکه شده و قطعه‌هایش در یک پخش شدگی تصادفی، از هم دور شده‌اند و آندره در مانده تلاش می‌کند یک مشت از آنها را

«لحظه‌ها و همیشه» روی صحنه می‌رود

سال ۷۴ آغاز و از نمایش‌های او می‌توان به «درهای نیمه‌باز»، «توبا کدام باد می‌روی؟» و «مروز روز خوب‌ست برای مردن» اشاره کرد. «توبا کدام باد می‌روی؟» که سال ۹۶ در سالن مستقل تهران اجرا شد، تولید کشور سوییس و برنده گونت فستیوال بولوار سوییس بوده است. «مروز روز خوب‌ست برای مردن» هم تولید مشترک فرانسه و بلژیک بود که سال ۹۷ در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر به اجرا درآمد.

نمایش «لحظه‌ها و همیشه» به‌نویسندگی و کارگردانی کمال هاشمی اوایل مهر ماه روی صحنه می‌رود. به گزارش «اعتماد»، «لحظه‌ها و همیشه» این روزها با کارگردانی کمال هاشمی در حال تمرین و آماده‌سازی است تا بعد از بازبینی و دریافت مجوزهای لازم روی صحنه برود. اثر جدید هاشمی نمایشی با رویکردی متفاوت و در ادامه تجربه‌های قبلی این کارگردان است. هاشمی فعالیت تئاتری خود را از گروه تئاتر مهر شیراز در

«هر جا آب هست، ویرانی است...» در سپند

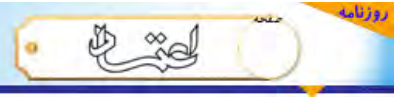
عامل هاشمی مشاور کارگردان، رضا خضرایبی طراح نور، محمد واحدی طراح صحنه، مریم رضایی طراح لباس، هلیا رشقی طراح گریم، علی روحانی آهنگساز، فرشته قاسم پور و امیر علی شانه ساز دستیاران کارگردان، شایان قدیریان مدیر صحنه، علی واحدی منشی صحنه، حسین حاجی بابایی عکاس، مجتبی رحامیان تیزر و موشن و روزان ایرجی طراح پوستر در این نمایش حضور دارند. نمایش «هر جا آب هست، ویرانی است...» از ۷ مهر ماه ساعت ۲۰:۳۰ اجرا می شود.

نمایش «هر جا آب هست، ویرانی است...» نوشته محمد واحدی و محمد نوروزی فرسنگی به کارگردانی محمد واحدی در تماشاخانه سپند روی صحنه می رود. به گزارش «اعتماد»، در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «صبر تلخ است، برای ما که مادرمان را هر پنجشنبه آب دادیم...» علی عامل هاشمی، محمد نوروزی فرسنگی و هادی عامل به عنوان بازیگر در این اثر به ایفای نقش می پردازند. نوشته زاهدی تهیه کننده، آرش دهقان شادمجری طرح و مدیر تولید، علی

روایت‌هایی عاشقانه در بستر جنگ

اپیزود و روایت‌هایی عاشقانه در بستر جنگ است. در این فضا از دست‌دادن‌ها و فاجعه‌هایی برای انسان‌ها رخ می‌دهد که همراه با غم و فارغ از آرامش و عشق است. یاسین زاده مدت زمان تمرینات نمایش را دو ماه عنوان کرد و درباره زمان و مکان اتفاقات آن یادآور شد: جز یکی از شخصیت‌ها دیگران نامی ندارند و زمان و مکانی برای این اثر مشخص نشده است. این نویسنده و کارگردان با اشاره به اینکه «تن سایه» بر اساس تلفیقی از توانایی بازیگران و فضا پیش می‌رود، درباره سبک و فضای اجرایی نمایش اظهار کرد: نمایشنامه بسیار رئالیستی است و بر این اساس بازی‌ها نیز اینگونه است اما فضای اجرایی بسیار مینیمال است. در این نمایش از دکور، آکسسوار و اتفاق‌های صحنه‌ای چندان استفاده نمی‌شود و از آنجا که روایت قصه است، بر پایه توانایی بازیگران است و بیشتر دیده و شنیده می‌شود.

به گزارش «اعتماد» به نقل از هنرآنلاین، نمایش «تن سایه» نوشته و کار مریم یاسین زاده از دهم شهریور ساعت ۲۱:۱۵ در سالن شماره دو پردیس تئاتر سپند روی صحنه است. مریم مومن، علیرضا جلالی تبار، سمن قناد، آناهیتا خسروی، حسین جاهد و محمد زندوکیلی بازیگران نمایش هستند. مریم یاسین زاده «تن سایه» را نمایشی مونولوگ در پانزده اپیزود و روایت‌هایی عاشقانه در بستر جنگ توصیف کرده است. یاسین زاده در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره روند شکل‌گیری نمایش «تن سایه» گفت: تقریباً سه سال پیش با یکی از دوستانم در حال بررسی فجایعی بودم و سپس آن فاجعه‌ها را وارد فضای جنگ و شروع به نگارش نمایشنامه کردم. او با بیان اینکه نمایش کمی تراز‌دی و دردناک است، درباره موضوع و مضمون آن عنوان کرد: «تن سایه» نمایشی مونولوگ در پانزده



تاریخ انتشار: چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۹:۳۷



نگاهی دیگر به مهم‌ترین نهاد تربیت هنری کودکان

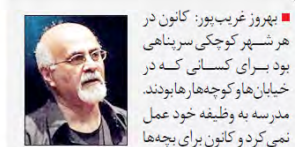
کانون پرورش فکری، کارخانه استعدادیابی

کانون شد و کتابخانه‌های آن یک کتابخانه خشک و خالی نبوده و نیست؛ بلکه فضایی بوده برای تحلیل داستان، تحلیل شخصیت، آموزش نقاشی، فیلمسازی، تئاتر، سافگاری، آرایه روزنامه‌های دیواری توسط جوانان و بسیاری فعالیت‌های دیگر... هر جوان با شکر کت در این دوره‌ها به‌تدریج استعداد خود را محکم می‌زنند. به این ترتیب آنها بیش از هر چیزی به خودیاری و خودباوری می‌رسند، می‌آموختند به شخصیت خود تکیه کنند و همکاری جمعی را فراموش نکنند. در محیط کتابخانه پرورش فکری و موسیقی کلاسک و امپرسیونیسم بخش می‌شد. هر ماه پدران و مادران به کانون دعوت می‌شدند و در جریان فعالیت‌های فرزندان خود، فراموش فراموشی نمی‌شدند. بنابراین آموزش فکری کودکان و نوجوانان و اقبال‌راندان کانون بود و همه این امکانات رایگان در اختیار هنر جوانان گذاشته می‌شد. این نوسونده، کارگردان و بازیگر آثار کودک و نوجوان در پایان می‌گوید: «نشدیم ایمه آقایان گفته‌اند عنوان پرورش نیست مگر کلون بقالی است که در آمدن باشد؟ یک نفر باید به این دوستان بگوید اگر از جای دیگری پول کم می‌آورد می‌خواهد بابت [..] از مردم پول بگیرد، چرا برای کانون واسطه می‌کنید؟ فرهنگ‌سازی هزینه دارد و نتیجه‌اش ۴۰ سال بعد معلوم می‌شود. چرا همه جای دنیا بهترین امکانات مال مدارس است. ما که در مدارس فضای برای پرورش کودکان و نوجوان نداریم. چرا همین یک کانون را که به این امور توجه دارد، دچار درس می‌کنید، به جای این طرح‌های خود، بودجه آن را تقابلهید تا بتواند چند فیلم سینمایی با کیفیت برای کودکان و نوجوانان بسازد. دو سالن تئاتر اضافه و نمایش‌های خوب تولید کند. یک هزارم بودجه‌های آن را که در جاهای دیگر حیث و میل می‌شود، به کانون اختصاص بدهید. بعد ببینید چه می‌کند. کانون یک موسسه غیرانتفاعی نیست که اگر پولی در نیابد، آن را تعطیل کند بلکه باید به آن بودجه بدهید تا تسلی بعدی را بسازد، نسلی وطن پرست که برای پیشرفت کشورش تلاش کند. آقایان آنچه را از آید بدهید، بزرگ کنید. بعد سراغ زایده‌های قبلی بروید» در زمانه‌ای که مسوولان برنامه مدون و منسجمی برای گسترش هنر، به ویژه تئاتر بین نونهالان و نوجوانان ندارند و بودجه‌های هم در اختیار مرکز تخصصی چنین فعالیت‌هایی قرار نمی‌دهند، نباید اجازه داد ذهنیت استعدادیابی عاقل‌مندان به مجموعه مشوش شود. کانون، کارخانه استعدادیابی و استعدادسازی است.

آموزش فیلم، تئاتر و موسیقی تدارک می‌دید. در حوزه موسیقی، هوشنگ کامکار و حسین علیزاده مری کانون بودند. شیدا قشقای که مدیر موسیقی بود اصلاً شخصیت سیاسی نبود و بین این افراد اگر هم کسی گرایش سیاسی داشت، وقتی برای کودکان کار می‌کرد، استانداردهای کار با کودک را رعایت می‌کرد. «حداقل می‌توان مدعی شد که با اینکه در این گفته‌ها همچنان پلر جاست؛ اینکه مدرسه همچنان به وظیفه خود عمل نمی‌کند. به این مورد می‌توان کم‌کاری‌های عجیب وزارت ارشاد را در زمینه تئاتر کودک و نوجوان افزود. چند دهه پس از انقلاب، همچنان یکی، دو نمونه سالن مختص اجرای نمایش‌های عروسکی، نوجوان و کودک به شمار انگشت‌شمار می‌کند. به این مورد می‌توان اما حسن دانشکدر، از مدرسان قدیمی کلون در گفت‌وگویی با ایستنا درباره طرز انجام کتابخانه‌های این مرکز به نوعی اظهارات غریب‌پور را تأیید می‌کند: «کسانی که دنبال اجرای مطرح و انگیزنده کتابخانه‌های کانون به‌نهاد کتابخانه‌های کشور هستند، هیچ شناختی از کانون و فعالیت‌های فرهنگی آن ندارند. اگر کانون را دانشگاه کودک و نوجوان بنامیم، آشنایی با کتاب و کتابخوانی، تنها یکی از اهداف اساسی آن از آغاز شکل‌گیری این مرکز بوده است؛ ولی مساله اینجاست که کتابخانه‌های کانون فقط مکانی برای کتاب خواندن یا امانت دادن کتاب نبوده‌اند؛ بلکه در این کتابخانه‌ها بیش از ۲۰ فعالیت فرهنگی انجام می‌شود. کانون با فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود

با اعتراض گسترده فعالان عرصه‌های گوناگون فرهنگی از جمله هنرمندان تئاتر مواجه شده است. عده‌ای طرح ادغام کتابخانه‌های کانون را در راستای انحلال کامل این نهاد تحلیل می‌کنند. چهره‌هایی که خود محصول مکان فرهنگی سازنده به شمار می‌روند. بهروز غریب‌پور یکی از آنها است، چهره‌ای که به عنوان موسس نخستین تماشخانه تئاتر کودک و نوجوان در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان و از نخستین مدیران تئاتر کودک در دامغان، سمنان، شاهرود و تهران شناخته می‌شود. همچنین از نخستین اعضای گروه تئاتر عروسکی کانون به کارگردانی Oskar Batek، مدیر مرکز تئاتر و تئاتر عروسکی و علاقه‌مندان، مدیر منطقه‌ای کانون پرورش فکری کودک و نوجوان در چهار استان: اصفهان، مرکز، یزد و چهارمحال و بختیاری و سرانجام معاون اداری و مالی کانون پرورش فکری و نوجوانان این هنرمند در باره اهمیت کانون می‌گوید: «پیشینه کانون پرورش فکری کودک و نوجوان پنهانی نداشت. فیلم‌ها، موسیقی‌ها، نمایش‌ها، کتاب‌هایی که چاپ می‌کرد، کتابخانه‌هایی که داشت، همه زمانی که کانون پرورش فکری کودک و نوجوان در انتقال خود را طی کرد، اصلاحات منافی وجود نداشت. کانون پرورش فکری کودک و نوجوان در هر شهر کوچک سرنه‌های بود برای کسانی که در خیابان‌ها و کوچه‌ها راه بودند. مدرسه به وظیفه خود عمل نمی‌کرد و کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به‌جای کتاب رایگان یا کمپها و کلاس‌های متعدد رایگان،

حسن دانشکدر: کانون با فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود کانون شده کتابخانه‌های خالی نبوده و نیست؛ بلکه فضایی بوده برای تحلیل داستان، تحلیل شخصیت، آموزش نقاشی، فیلمسازی، تئاتر، سافگاری، آرایه روزنامه‌های دیواری توسط جوانان و بسیاری فعالیت‌های دیگر... هر جوان با شکر کت در این دوره‌ها به‌تدریج استعداد خود را محکم می‌زنند. به این ترتیب آنها بیش از هر چیزی به خودیاری و خودباوری می‌رسند، می‌آموختند به شخصیت خود تکیه کنند و همکاری جمعی را فراموش نکنند.



بهروز غریب‌پور: کانون در هر شهر کوچکی سرنه‌های بود برای کسانی که در خیابان‌ها و کوچه‌ها راه بودند. مدرسه به وظیفه خود عمل نمی‌کرد و کانون برای بچه‌ها کتاب رایگان یا کمپها و کلاس‌های متعدد رایگان، آموزش فیلم، تئاتر و موسیقی تدارک می‌دید. در حوزه موسیقی، هوشنگ کامکار و حسین علیزاده مری کانون بودند؛ شیدا قشقای که مدیر موسیقی بود، اصلاً شخصیت سیاسی نبود و بین این افراد اگر هم کسی گرایش سیاسی داشت، وقتی برای کودکان کار می‌کرد، استانداردهای کار با کودک را رعایت می‌کرد.



بابک احمدی

فرهنگی و اجتماعی آن دوران تأسیس شد. دهه‌ای که تغییرات همه‌جانبه‌ای به همراه داشت و همه‌چیز مختلف زندگی جامعه ایرانی را متاثر کرد. همزمان با آغاز برنامه‌های مرتبط با انقلاب سفید و اصلاحات ارضی در این سال‌ها موج گسترده مهاجرت و سالیان به شهرهای بزرگ، افزایش جمعیت شهرنشینان را در پی داشت. این موضوع به لزوم گسترش تئاترها و امکانات آموزشی و فرهنگی متناسب ضرورت می‌بخشید. به این ترتیب عرصه‌های مختلف جامعه و به ویژه جمعیت پرشماری کودکان و نوجوانان در معرض تغییرات جمعیتی، فرهنگی و آموزشی قرار گرفتند؛ چرا که مشخص بود نهادهای موجود توان پاسخگویی به وضعیت جدید را ندارند. از طرف دیگر تغییر در شیوه آموزش به نوبه‌ای مدارس نیز به بروز این تغییرات کمک می‌کرد. به موازات همسایر، آمدن کودکان درسی دبستان در آن دوران شاهد ذکر گوی بنیادین بود؛ به تدریجی که فرایند یادگیری خواندن و نوشتن بسیار آسان شد و سن مطالعه تقریباً سه سال پایین آمد. توانایی خواندن در دانش آموزان دوم ابتدایی چنان شد که هر چه را با حروف درست و در قالب جمله‌های ساده نوشته می‌شد می‌توانستند بخوانند. مشخص بود که در نتیجه این تحول، تقاضای کتاب‌های ویژه کودکان و دانش آموزان افزایش خواهد یافت. نظام آموزش و پرورش در آن دوران نیز مشابه امروز، نمی‌توانست پاسخگوی نیاز کودکان به خواندن‌های مناسب باشد. این تغییرات، سیاست‌گذاران را به چاره‌اندیشی در این زمینه واداشت. بنابراین علاوه بر حرکت‌های پرکننده‌ای که توسط ناشران و نویسندگان مختلف انجام شد، حداقل دو نهاد عمده فعالیت جدی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان شکل گرفت: «شورای کتاب کودک» و «تانش ۳۷ نفر از دست‌اندرکاران صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به کتاب و کودک در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد» از سوی دیگر «کانون پرورش فکری کودک و نوجوان» که به عرصه گذشت، بر اساس گزارش‌های منتشر شده، کانون پرورش فکری کودک و نوجوان همچنان جزو انگشت‌شمار بایه‌بایان صریح‌ترین نهادها در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و ادبی است که توسط ناشران و نویسندگان و نوجوانان را دارا است. این مجموعه با وجود رنجی که دهه‌ها از جانب فقدان برنام‌برزی و حمایت منسجم متحمل شده، همچنان از برجسته‌ترین تولیدکنندگان و ناشران کتاب‌های کودک و نوجوان در ایران به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، کانون تهیه‌کننده فیلم‌ها و سایر فرآورده‌های فرهنگی برای کودکان و نوجوانان هم بوده. این مرکز فرهنگی پس از انقلاب، به عنوان شرکت دولتی و وابسته به وزارت آموزش و پرورش ایران به فعالیت خود ادامه داده و امروزه بیش از ۱۰۰۰ مرکز فرهنگی ثابت، سیار شهری، سیار روستایی و بستی در سراسر ایران در اختیار دارد که با ارائه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و مباحثات کودک و نوجوان خود ارتباط چشمی به همتی برقرار می‌کند. صفحه مرتبط با اطلاعات کانون در اینترنت به‌مما می‌گوید که انتشار ۱۴۰ عنوان کتاب با شمارگان‌های بیش از ۳ میلیون جلد در سال، تولید هزاران دقیقه فیلم‌های کوتاه بلند، زنده‌سند و پویانمایی، تولید ده‌ها عنوان نوبت موسیقی، نمایش عروسکی، سرگرمی‌های سازنده، اسباب‌بازی و نرم‌افزارهای آموزشی رایانه‌ای از فعالیت‌های این مرکز به‌شمار می‌رود. هر روز کارگردان مهم جریان نوگرایی سینمایی ایران از عباس کیارستمی تا بابک احمدی و ناصر تقوایی به‌مناشان می‌دهد که این کانون به سرعت موفق شده به‌نهادی جریان‌ساز در بدنه فرهنگی و هنری ایران بدل شود. امری که در زمینه ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان، تئاتر، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی نیز کارنامه درخشانی از خود به یادگار گذاشت. اما طرح دیوار به‌روزه و انگیزی کتابخانه‌های کانون به‌نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور توسط مدیران دولت سیزدهم

نقد رضا بابک به عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری بیشتر افت داشتیم تا خیز

کردیم که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت. خودستایی نباشد ولی مدعی هستم نمایش هایی که مادر اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر بود. اما در ۲۰، ۳۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی شود. البته تک و توک کارهای درخشان هم داشته ایم و بعضی از گروه های جوان چه در کانون و چه در دیگر مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده ای انجام داده اند ولی بخش اعظم نمایش های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تاملی است. او البته معتقد است وجود موانعی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی تاثیر نبوده و یادآوری می کند: در گذشته، هنرمندان حرفه ای نمایش های کودک را اجرا می کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه های بی تجربه در این زمینه

فعال هستند که کار کودک برای شان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودک کار می شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش هایی است که

افراد غیر حرفه ای در مهدهای کودک اجرا می کنند. بابک تاکید می کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت های این گروه سنی را در نظر بگیریم و به همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه های بعد از آن زمینه ای برای فعالیت هنرمندان حرفه ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه روبه رشد خواهد رفت. این هنرمند که از آغاز شکل گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگشتان یک دست هم نمی رسد. در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان روبه رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.

رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودک کان و نوجوانان در این سال ها افت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر افت داشته تا خیز. این هنرمندان از جمله چهره هایی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم کلاسی های خود وارد کانون پرورش فکری کودک کان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد. هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرشناس بود که توان تمییز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند. برای تشکیل این گروه به چند جوان پرانرژی و پراکنیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه ای بتوانند این نمایش ها را اجرا کنند. بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرصیه برومند، رضا بابک، بهرام شاه محمدلو، سوسن فرخ نیا، علیرضا هدایی

(که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) واردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد. این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان امریکایی و با حضور نویسندگانی سرشناس

همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش هایی همچون «ترب»، «کوتی موتی»، «عقاب»، «شاپرک خانوم»، «خورشید خانوم آفتاب کن» (نوشسته رضا بابک) شد. رضا بابک و بهرام شاه محمدلو در کتاب خاطرات خود به تفصیل درباره تشکیل این گروه و فعالیت های آن پرداخته اند که در گزارش های بعدی به آن می پردازیم. اما بابک در گفت و گو با ایسنا تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال های آغازین فعالیت تا به امروز طی شده، می گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می کردیم، بسیار حرفه ای تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودکان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با مضامین امروز نمایش های کودک بود. ضمن اینکه شکل اجراهای ما خیلی کودکانه نبود. او یادآوری می کند: بعد از کانون هم نمایش هایی مانند «لدوز و کلاغ ها» یا «کدو قلقلی» را کار



«انتظار» در شهرزاد

نمایشنامه خوانی «انتظار» به کارگردانی پیمان چراغی و نویسندگی یاسر عرفانی جم زیرمجموعه رپرتوار نمایشنامه خوانی «هزار و یک شب» به تهیه کنندگی محسن میرزاخانی در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۲۹ و ۳۰ شهریور ساعت ۲۰:۱۵ در پردیس تئاتر شهرزاد خوانش می شود. بازیگران این نمایش رامین پرچمی، محمدرضا محمدی پور، پویا پورهمدانی، آتنا رسول زاده، مریم بابایی، مهیار ذوالنوری، سارا جودت، زهرا یوسفی، زهرا نادری، میثم میثمی، سعید اصغری، مهدی دشتی، ستاره آقائی، احسان مهدی زاده، هانیه یوسفی و عیسی محمدی هستند. گروه موسیقی این نمایش را تانیا قربانی نوازنده هنگ درام، عرشیا چاکرالاحسینی نوازنده پیانو، محمدحسین بیات نوازنده ترومپت، مهران محمودزاده نوازنده ویولن سل تشکیل می دهند. دیگر عوامل این نمایش عبارتند از دستیار کارگردان ستاره آقائی، مجری طرح: سارا والیانی، مدیر تولید: ایمان مهدی زاده، مدیر هماهنگی: محمدجواد ملک زاده، مدیر روابط عمومی: گیتی شاکری هستند. نمایش «انتظار» پنجمین همکاری پیمان چراغی و محسن میرزاخانی محسوب می شود. در خلاصه متن این نمایش آمده است: گفته بودی شهید یعنی چه پسر! جنگ چیز خوبی نیست... فرزند یک شهید به نام فرهاد که در شرف ازدواج است، بر سر سه راهی قرار گرفته و باید انتخاب سختی کند.

تأثیر بیشترین شباهت را به زندگی دارد



زندگی در تئاتر / کارگردان: محمد برهنمی

یادداشت



حسین جمالی
کارگردان تئاتر

فرهنگ مقوله‌ای آموزشی است که دائم باید به آن پرداخته شود. مربوط به دوره‌ای خاص نیست و همیشه احتیاج به روز آمدن دارد تا با تغییر شرایط زندگی، قوانین ارتباطی بهبود یافته و سودمندتر عمل کنند. پیش ترها در پاتوق‌ها و اجتماعات «جمع خوانی»‌ها بر ترویج آگاهی و شکل یافتن فرهنگ غالب تأثیر می‌گذاشت. وقتی در قهوه‌خانه‌ها شاهنامه خوانی، مثنوی خوانی و... انجام می‌شد یا گاهی که مجالس نقل با موضوعات مورد توجه مردم همچون عشق، انتقام، بخشش به اجرا می‌رسید در اذهان عمومی

یک محله، روستا یا شهر نوعی یکسان‌سازی اندیشه ایجاد می‌کرد و این یکسان‌سازی به ارتباط زن و مرد، رفاقت‌ها و شراکت‌ها معیار می‌بخشید و باعث بالا رفتن سطح کیفی ارتباط می‌شد. در نتیجه افراد جامعه از تنش و جدال‌هایی که بر سر هیچ است دور می‌شدند. افراد بدون داشتن شاخصه‌های روشن فرهنگی به ارتباط‌های بیمارگونه و بی‌اعتمادی روی می‌آوردند. فردیت اهمیت پیدا می‌کند و با فردیت عملاً گردهم بودن با هم بودن کمرنگ می‌شود. این خود عارضه‌ای مهم در کلانشهرها و جوامع رو به پیشرفت است. وقتی سرانه مطالعه و روحیه پژوهشگری در بین مردم به سطحی تقریباً هیچ می‌رسد، هنر و بخصوص هنر تئاتر می‌تواند آگاهی رسان و کارآمد باشد، چرا که هنرمند مسئولیت‌پذیر به تجربه زیستی خود متکی می‌شود و با مطالعه و ادراک محیط، آسیب‌های کیفی در زندگی را شناسایی می‌کند و با نگرشی امیدوارانه اذهان را به اندیشیدن و انتخاب‌های بهتر معطوف می‌دارد.

ناامیدی و بی‌اعتمادی و چشم به نجات بخشی بیگانه‌ها دوختن عارضه‌ای است اجتماعی که می‌تواند به پایین آمدن عزت نفس عمومی منجر شده و کارآیی جمعی را پایین آورد. شهرها تشکیل می‌شوند تا انسان‌های بیشتری در کنار هم با اهداف مشترک چرخ را بچرخانند که از چرخش آن منفعت بیشتری وارد زندگی همگان شود. حالا تصور کنیم که هر کس به سمتی که خودش می‌داند این چرخ را بچرخاند. در این شرایط نمی‌توان امیدوار بود که چرخه زندگی با قدرت مناسب برای یک اجتماع بزرگتر بگردد. این معطوف‌سازی با ساخت فیلم‌ها و تئاترهای پرسشگر میسر است. حال آنکه وقتی به تماشای فیلم‌ها و تئاترها می‌نشینیم جز سرگرمی و گزارش از بدبختی‌های عده‌ای چیزی نمی‌بینیم. تئاتر به عنوان یک هنر جذاب (که البته در جامعه ما به طرز رنج‌آوری ناشناخته است) می‌تواند اندیشه‌های عمومی را برای بازسازی و اصلاح و نوسازی معطوف دریافت‌های عمیق هنرمندان کند. تئاتر هنری زنده است و بیشترین شباهت را به زندگی دارد. قرار است برای اندیشیدن جمعی و می‌تواند با رویکرد صحیح برای ارتباط بهتر و موشکافی آسیب‌ها مؤثر واقع شود. در گذشته

مجالس پرشور شبیه‌خوانی با تذکر دادن روش عملکرد اولیا، امامان، اساطیر و... نحوه مقابله ایشان را با عناصر متضاد زندگی همچون الگویی برای مخاطب به عرصه ظهور و نمایش می‌رساند. تماشای نمایش‌هایی از این دست خود مقوله‌ای فرهنگی و از دید عموم ثواب تلقی می‌شد. طبیعی است با ظهور رسانه و ابزار اجتماعی تغییر می‌کند و روز آمد می‌شود. ارزش‌ها و تمایلات هم باید روز آمد شود. این مهم مسئولیتی است که بر دوش هنرمندان است که می‌تواند با تولید آثارشان و محتوای آن آثار پاسخ داده شود. هنر نمایش در طول تاریخ در این مسیر بسیار مؤثر بوده و توانایی‌های خود را ثابت کرده است. به همین دلیل است که در شهرهای بزرگ دنیا تئاترها با بناهای باشکوه تأسیس شده است و مردم جوامع پیشرفته در تئاترهای با معماری زیبا و فضاهایی در شأن اهداف و رؤیاهایشان گرد هم می‌آیند و به تماشای آگاهی می‌نشینند. اما در شهر ما سالن‌های باشکوه بیشتر در اختیار آثار سرگرم‌کننده و کم‌مدی‌های بی‌دغدغه قرار می‌گیرند. صد البته سرگرمی و نشاط و باطراوت بودن ابزاری است که لازم است آثار نمایشی است. تئاتر می‌تواند تجربه‌های تاریخی یک ملت و مصایبی را که همیشه در تاریخ تکرار می‌شوند همراه راه‌حل به مخاطبانش یادآوری کند و از این طریق برای رفع عارضه‌ها و بیماری‌های عمومی و اجتماعی همچون ناامیدی و بی‌انگیزگی راهکار ارائه کند. ضمن اینکه هنرمند با شناسایی درد مشترک و رایج میان مردمان و ساختن اثری برای نمایش دادن، آن نظرها را به صورت جمعی معطوف آن موضوع کرده و افراد را ترغیب می‌کند که همگی برای برطرف کردن آن اتحاد نظر پیدا کنند.

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۹:۳۷

چالش‌ها و مسئولیت‌های «اتاق و وضعیت تئاتر ایران» در گفت‌وگوی «ایران» با پژوهشگران حوزه نمایش:

یک قدم از هزاران قدم

محسن بوالحسنی: همین چند وقت پیش و هم‌زمان با هفته دولت، دفتر پژوهش، آموزش و انتشارات اداره کل هنرهای نمایشی با هدف ترسیم زیست‌بوم فرهنگی حرفه‌ای، صنفی و ارائه گزارش‌های کمی و کیفی از امور جاری تئاتر کشور اتاق وضعیت تئاتر ایران را تشکیل داد و پس از راه‌اندازی این اتاق



فکر مهدی کاموس مدیر دفتر پژوهش، آموزش و انتشارات اداره کل هنرهای نمایشی درباره اهداف

و ضرورت اتاق وضعیت تئاتر به «ایران» گفت: «هدف اصلی تشکیل اتاق وضعیت تئاتر ایران ترسیم زیست‌بوم فرهنگی، حرفه‌ای و صنفی و ارائه گزارش‌های کمی و کیفی از امور جاری تئاتر کشور است. امور جاری تئاتر مربوط به همه حوزه‌های تولید، آموزش، گروه‌های نمایشی، جشنواره‌ها و غیره می‌شود. اهمیت و ضرورت راه‌اندازی اتاق وضعیت تئاتر ایران به نقش این گزارش‌ها در سیاست‌گذاری و همچنین تولید تئاتر برمی‌گردد.

بی‌تردید گزارش‌های این اتاق هم برای سیاست‌گذاران در توزیع امکانات و خدمات و هم برای جامعه حرفه‌ای تئاتر در شناخت نیازها و آسیب‌های تئاتر کشور قابل استفاده خواهد بود.» او همچنین در تشریح این ضرورت، تأکید کرد که «در طول سال‌ها بر اساس

پژوهش‌ها و گزارش‌هایی که در اداره کل هنرهای نمایشی، دانشگاه‌ها و سایر نهادهای مربوط جمع‌آوری شده ما را با تجمیع داده‌هایی روبه‌رو کرده است که می‌توانیم به گزارش‌های تحلیلی درباره موضوعات و مسائل مهم تئاتر کشور بپردازیم. این گزارش‌ها می‌تواند برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب برای تئاتر، گروه‌های تئاتری، تئاتر در استان‌های کشور و برای نمایشنامه‌نویسان، بازیگران، پژوهشگران و کارگردانان مفید باشد و مورد استفاده قرار بگیرد.» به گفته بسیاری از صاحب‌منظران، تشکیل چنین اتاق فکری نظری و عملی که قدرت تصمیم‌گیری و اجرا داشته باشند می‌تواند به تئاتر ایران کمک کند و چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ کمی و کیفی تئاتر ما را در مسیر کم‌چالش‌تری قرار دهد، اما بسیاری هم معتقدند این اتفاق تنها یک روی سکه‌ای است که نمی‌توان به آن به صورت تک‌بعدی نگاه کرد و برای حل و فصل دغدغه تئاتر و تئاتری‌ها باید بسترهای لازم در زیرساخت‌های مختلف فراهم شود.



حمید نعمت‌زاده، منتقد و پژوهشگر تئاتر در گفت‌وگو با «ایران» توجه ما را به زیرساخت‌های فنی و البته ارج نهان به هنر و هنرمند و کونا کردن دست‌ها و دلان از تئاتر

جلب می‌کند. نعمت‌زاده معتقد است: «تشکیل اتاق وضعیت با هر چه به این نام است می‌تواند در پله اول اتفاق خوب و مبارکی باشد اگر در دام آسیب‌های فراوان در این مسیر نیفتد. این اتاق فکر و متخصصانی که در آن شرکت می‌کنند می‌توانند نقش آسیب‌شناس‌های به موضوع واقف را ایفا کنند که همان‌طور که گفته شد اگر درست طی مسیر کنند می‌توانند ثمرات بسیاری هم داشته باشد. حالا دیگر این حرف شعار نیست و عین حقیقت است که در جوامعی که به هنر و هنرمند بها داده می‌شود، از آن به مثابه آینه تمام‌نما استفاده می‌کنند که بتوانند انعکاس بی‌ض تپنده زندگی مردم را در آن جاری و ساری کنند. در این جوامع بازتاب مشکلات، مصایب و شادی‌های مردم به‌عنوان یک اصل در انعکاس آنچه که گفته شده به زبان هنر به حساب می‌آید. هنر و هنرمند در انتقال این تصویر به جامعه بدون لگت زبانی در نقش طرح‌کننده سؤال‌هایی که می‌تواند گره بسیاری از مشکلات و مصایب و دست‌اندازهایی که در جامعه ایجاد شده را با هنر خود و با کالای فرهنگی که به مخاطب ارائه می‌دهد باز کند با زبان هنر می‌توان به ایجاد آموزش فرهنگ در حوزه‌های مختلف در جامعه پرداخت. بنابراین نقش هنر و هنرمند در جوامع مختلف بسیار پررنگ است، اما به شرطی که به او آزادی عمل و اعتماد لازم داده بشود و به او به‌عنوان یک شهروند درجه ۲ در جامعه‌ای که در آن زیست

مسالمت‌آمیز وجود دارد، چنین نگاهی از سوی سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگانی که در حوزه مدیریت‌های مختلف مسئولیت دارند، نشود.»

نقش هنر و هنرمند در پویایی جامعه

او در بخشی دیگر از صحبت‌های خود با اشاره به این نکته که هنر، بخصوص تئاتر که ارتباطی نفس‌بدن با مخاطب دارد می‌تواند نقشی علیحده از دیگر هنرها ایفا کند. نعمت‌زاده می‌گوید: «با زبان هنر و هنرمند می‌توان به زبانی‌ها و کاستی‌های ریز و درشتی که در سطوح مختلف جامعه وجود دارد در سطح و تبیین آنها پرداخت، به‌دلیل اینکه او از جنس مردم است و انعکاسی که در این آینه به‌خود مردم تحویل می‌دهد باورپذیر خواهد بود، پس مخاطب با جامعه وقتی بدون واسطه با مشکلات روبه‌رو می‌شوند، واکنشی که نشان می‌دهند در کموت یک کنشگر خواهد بود. بنابراین به فکر فرو می‌روند تا بتوانند دست‌به‌دست دیگر افراد جامعه بدهند تا در حد توان خود بتوانند این مشکلات را برطرف کنند. ما توجه به آنچه آمد باید به این مهم اشاره کرد که نقش هنر و هنرمند بسیار تعیین‌کننده برای بروز نشاط و شادابی، پویایی و دینامیک بودن یک جامعه و اعضای آن در دنیایی که امروز در آن یگان یگان مردم بدون در نظر گرفتن ملت، دین، مذهب، رنگ، نژاد و زبان گرفتار و بی‌روس کرونا شده‌اند و هر کس به فراخور آنچه که بر او در جامعه جهانی تحمیل



شده به سمت تئاتر شدن سوق پیدا کرده می‌توان از زبان هنر و با خلاقیتی که هنرمند در انتقال فرم و معنا دارد استفاده کرد تا لحظه یا لحظاتی را برای مخاطبان به وجود آورد تا با دیگر با ایجاد امید، نشاط و تولید محتوا و از آن تنهایی در آورد و مجدد به او این معنا را منتقل کرد که در کنار هم می‌توان به برآمدن خورشید در آسمان بار دیگر امیدوار بود و زندگی مشترک در جامعه را به‌صورت هنرمندانه زنده کرد.»

تئاتر و خرد جمعی

این پژوهشگر تئاتر در بخش پایانی صحبت‌های خود، تئاتر را برآمده از جهانی جمع‌گرا می‌داند که زیست‌بوم‌اش در خرد جمعی است. او می‌گوید: «در این خرد جمعی نقش تک افراد جامعه، پررنگ است. در کارهای جمعی کنش به وجود می‌آید و افراد جامعه کنشگر حساب می‌شوند. در هنرهای مختلف از جمله تئاتر، استفاده از کالای فرهنگی که هنرمند قصد ترویج آن را در جامعه دارد، در جمع است که معنا پیدا می‌کند. متأسفانه در طول دو دهه گذشته هنر نمایشی و تئاتر به دلیل فراهم نشدن تمام و تمام زیرساخت‌های لازم و... هنوز از آنچه مطلوب است فرسنگ‌ها فاصله دارد و اگر تلاش می‌کنیم که این نکته را باز کنیم و مدام درباره‌اش بگویم به این دلیل واضح است که فرهنگ و هنر به مثابه خورشیدهایی هستند که می‌توانند با نورافشانی باعث ایجاد آگاهی، دانش، خرد و ترویج صلح و امید، عشق‌ورزیدن و در نهایت باعث بروز نشاط در جامعه شوند.»

دبیر جشنواره تئاتر مقاومت:

جریان تئاتر اربعین شکل گرفته است

دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت اظهار کرد آمار اجراهای تئاتری در ایام اربعین نوید شکل‌گیری جریان تئاتر اربعین در نهادهای متولی تئاتر کشور را می‌دهد. سید وحید فخر موسوی دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت درباره تجربه اجراهای بخش «زخم عتیق» این جشنواره در ایام راه‌پیمانی اربعین حسینی در کشور عراق، به مهر گفت: حضور هنرمندان تئاتر ایران از نقاط مختلف کشورمان در مسیر پیاده‌روی اربعین اتفاقی شگرف و متفاوت است که تجربه‌ای تازه برای ما و مخاطبان غیر ایرانی بود به طوری که بنده تصمیم دارم اگر سال آینده مسولیتی هم در این زمینه نداشته باشم شخصا نمایشی را جهت اجرا در این ایام آماده‌سازی کنم. وی درباره شرایط میزبانی کشور عراق از گروه‌ها و اجراهای ایرانی تصریح کرد: در تمام روزهایی که ما به عنوان هنرمندان تئاتر ایران در عراق بودیم جز مهربانی و همکاری در اجرای پذیرایی و شرایط اجرا از برادران عراقی خود ندیدیم، از هر چه که توان داشتند در اختیار ما قرار دادند. فخر موسوی با بیان اینکه تئاتر اربعین بخش اول جبین‌الملل ما بود، تأکید کرد: تلاش ما این است که با همراهی بنیاد فرهنگی روایت فتح بتوانیم بخش دوم بین‌الملل و ادامه جریان‌سازی محتوایی و اجرایی خودمان را ادامه دهیم. خب در این راه سختی‌ها و موانعی وجود دارد که اصلی‌ترین‌اش شرایط میزبانی کشور مقصد است. دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت در پایان اظهار کرد: خوشبختانه در ۲ هفته گذشته شاهد افزایش اجراهای تئاتری در ایام اربعین حسینی در داخل کشور هم بودیم که بسیار نوید خوبی از به وجود آمدن جریان تئاتر اربعین در نهادهای متولی تیاتر کشور می‌دهد که انشاءالله در سال‌های آینده هم تداوم داشته باشد و صرفاً کنش هیجانی نباشد.

دبیر جشنواره تئاتر مقاومت:

جریان تئاتر اربعین شکل گرفته است

بهار - دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت اظهار کرد آمار اجراهای تئاتری در ایام اربعین نوید شکل‌گیری جریان تئاتر اربعین در نهادهای متولی تئاتر کشور را می‌دهد.

به گزارش بهار به نقل از مهر سید وحید فخر موسوی دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت درباره تجربه اجراهای بخش «زخم عتیق» این جشنواره در ایام راه پیمانی اربعین حسینی در کشور عراق، گفت: حضور هنرمندان تئاتر ایران از نقاط مختلف کشور مان در مسیر پیاده‌روی اربعین اتفاقی شگرف و متفاوت است که تجربه‌ای تازه برای ما و مخاطبان غیر ایرانی بود به طوری که بنده تصمیم دارم اگر سال آینده مسولیتی هم در این زمینه نداشته باشم شخصاً نمایشی را جهت اجرا در این ایام آماده‌سازی کنم.

وی درباره شرایط میزبانی کشور عراق از گروه‌ها و اجراهای ایرانی تصریح کرد: در تمام روزهایی که ما به عنوان هنرمندان تئاتر ایران در عراق بودیم جز مهربانی و همکاری در اجرای پذیرایی و شرایط اجرا از برادران عراقی خود ندیدیم، از هر چه که توان داشتند در اختیار ما قرار دادند.

فخر موسوی با بیان اینکه تئاتر اربعین بخش اول جبین الملل ما بود، تأکید کرد: تلاش ما این است که با همراهی بنیاد فرهنگی روایت فتح بتوانیم بخش دوم بین‌الملل و ادامه جریان‌سازی محتوایی و اجرایی خودمان را ادامه دهیم. خوب در این راه سختی‌ها و موانعی وجود دارد که اصلی‌ترین‌اش شرایط میزبانی کشور مقصد است. دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت در پایان اظهار کرد: خوشبختانه در ۲ هفته گذشته شاهد افزایش اجراهای تئاتری در ایام اربعین حسینی در داخل کشور هم بودیم که بسیار نوید خوبی از به وجود آمدن جریان تئاتر اربعین در نهادهای متولی تئاتر کشور می‌دهد که انشاءالله در سال‌های آینده هم تداوم داشته باشد و صرفاً کنش هیجانی نباشد.

چهارمین حضور بین‌المللی نمایش «آشویتس زنان»

نمایش «آشویتس زنان» به نویسندگی و کارگردانی علی صفری پنجم نوامبر ۲۰۲۲ در سالن تئاتر «سوپرنوا» شهر کراکف لهستان روی صحنه می‌رود. به نقل از وبسایت تیوال، این چهارمین حضور بین‌المللی این نمایش در دو سال گذشته است. آشویتس زنان پیش از این در سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ۲۰۱۶، سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی شیر طلایی اوکراین ۲۰۲۱، بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر ملیامونی خرسون ۲۰۲۲ و دومین دوره از جشنواره بین‌المللی Pro.Act ۲۰۲۲ حضور داشته است. امیر شمس، رها حاجی زینل، نازنین میهن و شهرزاد محمودی در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند.



رضا بابک:

بیشتر اُفت داشتیم تا «خیز»

رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این سال‌ها اُفت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر اُفت داشته تا خیز. به گزارش ایسنا، رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد. هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می‌کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرشناس بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند. برای تشکیل این گروه به چند جوان پر انرژی و پر انگیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند. بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرضیه برومند، رضا بابک، بهرام شاه محمدلو، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد. این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان آمریکایی و با حضور نویسندگانی سرشناس همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «ترب»، «کوتی موتی»، «عقاب»، «شاپرک خانوم»، «خورشید خانوم آفتاب کن» (نوشته رضا بابک) شد. رضا بابک و بهرام شاه محمدلو در کتاب خاطرات خود به تفصیل درباره تشکیل این گروه و فعالیت‌های آن پرداخته‌اند که در گزارش‌های بعدی به آن می‌پردازیم. اما بابک در تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال‌های آغازین فعالیت خود تا به امروز طی شده، به ایسنا می‌گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می‌کردیم، بسیار حرفه‌ای‌تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودکان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می‌کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با مضامین امروزی نمایش‌های کودکان بود. ضمن اینکه شکل اجراهای ما خیلی کودکانه نبود. او یادآوری می‌کند: بعد از کانون هم نمایش‌هایی مانند «الدوز و کلاغ‌ها» یا «کدو قلقلی» را کار کردیم که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت. بابک تأکید می‌کند: خودستایی نباشد ولی مدعی هستم نمایش‌هایی که ما در اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر بود. اما در ۲۰، ۳۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و توک کارهای درخشان هم داشتیم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و چه در دیگر مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تأملی است. او البته معتقد است وجود موانعی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی‌تأثیر نبوده و یادآوری می‌کند: در گذشته، هنرمندان حرفه‌ای نمایش‌های کودک را اجرا می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند.



در نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری رضا بابک: بیشتر افت داشتیم تا خیز

رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این سالها افت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر افت داشته تا خیز.

رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد.

هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می‌کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرشناس بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند. برای تشکیل این گروه به چند جوان برآموزی و برانگیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند.

بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرصیه برومند، رضا بابک، بهرام شاه محمدلو، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد.

این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان آمریکایی و با حضور نویسندگانی سرشناس همچون مینم فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «ترب»، «کوتی موتی»، «عقاب»، «شاپرک خانوم»، «خورشید خانوم آفتاب کن» (نوشته رضا بابک) شد.

رضا بابک و بهرام شاه محمدلو در کتاب خاطرات خود به تفصیل درباره تشکیل این گروه و فعالیت‌های آن پرداخته‌اند که در گزارش‌های بعدی به آن می‌پردازیم.

اما بابک در تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال‌های آغازین فعالیت خود تا به امروز طی شده، به ایسا می‌گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می‌کردیم، بسیار حرفه‌ای‌تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودک‌کان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می‌کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با مضامین امروز نمایش‌های کودک بود. ضمن اینکه شکل اجرای ما خیلی کودکانه نبود.

او یادآوری می‌کند: بعد از کانون هشتم نمایش‌هایی مانند «الدوز و کلاغ‌ها» یا «گدو قلقلی» را کار کردیم که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت.

بابک تأکید می‌کند: خودستایی نباشد ولی مدعی هشتم نمایش‌هایی که ما در اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر بود. اما در ۳۰، ۴۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و نوک کارهای درخشان هم داشته‌ایم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و چه در دیگر مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تأملی است.



او البته معتقد است وجود موانعی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی‌تأثیر نبوده و یادآوری می‌کند: در گذشته، هنرمندان حرفه‌ای نمایش‌های کودک را اجرا می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند که کار کودک برایشان از مومن و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودک کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند.

بابک تأکید می‌کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت‌های این گروه سنی را در نظر بگیریم و به همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می‌کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه‌های بعد از آن زمینهای برای فعالیت هنرمندان حرفه‌ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه رو به رشد خواهد رفت.

این هنرمند که از آغاز شکل‌گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می‌دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می‌شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان رو به رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.

در نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری رضا بابک: بیشتر افت داشتیم تا «خیز»

این گروه و فعالیتهای آن پرداخته‌اند که در گزارش‌های بعدی به آن می‌پردازیم. اما بابک در تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال‌های آغازین فعالیت خود تا به امروز طی شده، به ایستای می‌گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می‌کردیم، بسیار حرفه‌ای‌تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودکان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می‌کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با مشامین امروز نمایش‌های کودک بود، ضمن اینکه شکل اجراهای ما خیلی کودکانه نبود. او یادآوری می‌کند: بعد از کانون هم نمایش‌هایی مانند «الدوز و کلاغ‌ها» یا «کدو قلقلی» را کار کردیم که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت. بابک تأکید می‌کند: خودستایی نباشد ولی مدعی هستم نمایش‌هایی که ما در اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر بود. اما در ۳۰-۲۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و نوک کارهای درخشان هم داشته‌ایم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و چه در دیگر مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده

رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این سال‌ها افت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر افت داشته تا خیز. رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد. هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می‌کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرنشای بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند. برای تشکیل این گروه به چند جوان پر انرژی و پر انگیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند. سر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرضیه برومند، رضا بابک، پیرام شاه محمدرضا، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد. این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان آمریکایی و با حضور نویسندگانی سرشناس همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «سرب»، «کونی مونی»، «عقاب»، «شایرک خانوم»، «خورشید خانوم آفتاب کن» (نوشته رضا بابک) شد. رضا بابک و پیرام شاه محمدرضا در کتاب خاطرات خود به تفصیل درباره تشکیل

تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تأملی است. او البته معتقد است وجود موانعی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی‌تاثیر نبوده و یادآوری می‌کند: در گذشته، هنرمندان حرفه‌ای نمایش‌های کودک را اجرا می‌کردند و کسی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند. بابک تأکید می‌کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت‌های این گروه سستی را در نظر بگیریم و بیه همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می‌کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه‌های بعد از آن زمینه‌ای برای فعالیت هنرمندان حرفه‌ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه رو به رشد خواهد رفت. این هنرمند که از آغاز شکل‌گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می‌دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می‌شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان رو به رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.

اشکان خطیبی «اسفندیار روپین تن» می شود



اشکان خطیبی با موسیقی- نمایش «هفت خان اسفندیار» به کارگردانی حسین پارسایی مهرماه امسال به تالار وحدت می آید. «هفت خان اسفندیار» یکی از داستان های مشهور شاهنامه

اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی است که در هفت خان، حکایت سفر پرماجرای اسفندیار روپین تن به قصد رها کردن خواهرانش همای و به آفرید از چنگ تورانیان را روایت می کند. پیش از این امین حیایی، غزل شاکری، الهام کردا، حسام منظور، محمد ریاضت، رضا راد، مونا صوفی، نیکا افکاری، سروین ضابطیان و سایه پارسایی بازیگران نقش های به عنوان بازیگران این نمایش معرفی شدند. «هفت خان اسفندیار» محصول سازمان هنری رسانه ای اوج، برداشتی آزاد از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی به نویسندگی محمدرضا کوهستانی پاییز سال جاری با مشارکت بنیاد فرهنگی هنری رودکی در تالار وحدت اجرا می شود.



فاطمه زمانی کارگردان، بازیگر تئاتر در گفتگوی اختصاصی با عصر آزادی: فرهنگ و هنر جامعه نشان دهنده شعور اجتماعی و سطح دانش یک جامعه میباشد



همانگونه که جسم ما نیازمند تغذیه است روحمان نیازمند هنر است برای رفع اضطراب و تنش و... هنر و هنرمند واقعی بودن یک شانس است شانس آنست که از خواستن و تلاش نصیبمان خواهد شد.

از مسوولین فرهنگی کشور چه توقعی دارید؟

ما در غرب شاهد این هستیم که به علت عدم ایده و موضوعات دنبال کارهای فانتزی و خیالی می‌روند و اما در ایران ما با این قدمت تاریخی و داستان ها و اتفاقات شیرین و تلخ و عبرت آموز و جذاب و... ساختن یک فیلم کوتاه هم سختی ها و هم هزینه های زیادی در بر دارد توقع من حمایت و حمایت و حمایت از هنر به نفع فرهنگ و شناخت و گسترش آن است.

درخواستم فقط توجه بیشتر به نخبگان هنری و حمایت از پیشگامان و ناییده نگرفتن تلاشگران این عرصه که به سختی امرار معاش می‌کنند و اما همچنان در سنگر هنر ایستاده اند.

آیا شما به استاندارد سازی هنر و فعالیت هنری اعتقاد دارید؟

از آنجاکه هنر حد و مرزی ندارد استاندارد می‌باشد برای ما تعریف نمی‌شود زیرا ما مخاطبین با انواع سلیقه ها رو برو هستیم اما هر چیزی هم برای موفقیت در جامعه نیازمند قانون و استاندارد است پس باید در جواب سؤالات بگویم: بله موافقم با یکسری استاندارد ها که در چهار چوب قوانین هر کشور هست البته که این قوانین در برخی کشورها باعث محدودیت در هنر میشود.

برنامه آینده کاری شما مشخص است؟

قطعا زمانی که این هنر رو انتخاب کردم با عشق و علاقه ای ابدی بود و تا لحظه ای که نفسی باشد من را روی صحنه ها خواهید دید. من با تئاتر زندگی میکنم و تئاتر حامی روحی من است؛ برنامه کلی من برای سال جاری هم باز تئاتر و حرفه ای تر شدن در این زمینه هست من با روشی جدید که خلاصه ای از آموزش های جهانی و داخلی ثبت شده هست رو در کلاس هام برای هنر جوهایم دارم.

که از ابتدا به آن نگاه اقتصادی میداشتیم و این نوع نگاه هم باید از طریق فرهنگ سازی در کشور باید ایجاد می‌گردد که در حال حاضر در کشور ما این نگاه اصلا وجود ندارد.

بیشتر برایمان توضیح دهید.

در واقع منظور از فرهنگ نوع نگاهی است که در آن، افراد جامعه حس نیاز به حضور و حمایت از این عرصه را در خودشان داشته باشند برای مثال وقتی فردی لباسش کهنه و یا گرسنه می‌ماند تصمیم به پرداخت بها بابت نامین نیاز خودش می‌کند. ما هم باید جوری در جامعه احساس نیاز خانواده ها رو به هنر انتقال بدیم که بدون اجبار و از روی علاقه و حس نیاز به صورت خودجوش از هنر حمایت کنند.

اما به خاطر ضعف مسا در این زمینه ما می‌بینیم که نه تنها دولت حمایتی شایسته ای از این عرصه ندارد بلکه افراد هنر دوست هم که هر ساله برای حمایت وارد این حوزه می‌شوند به خاطر عدم مدیریت پیشیمان می‌شوند.

آیا این فرهنگ سازی بیشتر وظیفه هنر و هنرمندان است یا دولت و یا بخش خصوصی؟

در یک جامعه دولت نقش پدر رو ایفا میکند و بخش خصوصی نقش مادر را و به نظر من هر دو مسئولند. باید توجه کنیم که فرهنگ و هنر جامعه نشان دهنده شعور اجتماعی و سطح دانش یک جامعه میباشد. و من اعتقاد بر این است وقتی ما در هر خانه حداقل یک رسانه تلویزیون یا رادیو راداریم بحث راجع به این موضوع مهم مهمتر خواهد بود و اگر بی توجهی ها ادامه یابد قطعا به زودی زود هنر و فرهنگ ایرانی ای یاد خواهد رفت و فرهنگ غرب همگانی می‌شود.

به جوانان علاقمند به هنر چه پیامی دارید؟

من نه به جوانان بلکه به کودکان و افراد مسن و میانسال هم می‌گویم هنر نیاز انسان است- هنر مایه آرامش است و

عصر آزادی / سرویس فرهنگی - مصاحبه از علیرضا نیاکان: گفتگویی داشتیم با فاطمه زمانی مدرس و بازیگر و کارگردان جوان تئاتر که به نظر مخاطبان گرامی می‌رسد:

لطفا خودتان را معرفی کنید.

فاطمه زمانی هستم ۳۸ ساله است مدرس و بازیگر و کارگردان تئاتر.

از فعالیت هنری خودتون بگویند.

بسنده با وجود اینکه از دوران نوجوانی فعالیت هنری زیادی داشتم اما به علت تحصیل در دانشگاه کمی با تاخیر فعالیت خودم رو در زمینه تئاتر به صورت جدی شروع کردم اما خوشبختانه در حال حاضر پنج سالی می‌شود که به صورت مستمر در این عرصه فعالیت دارم و حتی در دو سال اخیر این افتخار نصیب شد که به عنوان پسر کارترین هنرمند در عرصه کارگردانی و بازیگری انتخاب شوم.

هدف شما از تاسیس گروه سافانا چه بود؟

هدف من از تاسیس گروه سافانا در واقع گسترش هنر علی‌الخصوص تئاتر در جامعه بود به گونه ای که بتوانم در علاقه مند سازی عامه مردم هم در این عرصه تاثیر گذار باشم. و علاوه بر آن از طریق این گروه آنچه که احساس میکردم باید در قالب این هنر انتقال پیدا کند در سطح جامعه به بهترین شکل یعنی از طریق آموزش انتقال دم. که البته خدارا شاکرم این مهم هم عملی شد و بنده از طریق جذب هنر جوهای با انگیزه و با استعداد دوره های زیادی رو با موفقیت و رضایت هنر جوهایم به پایان رساندم و بنا اتان نمایش های بسیاری را به اجرا رسانده ام. که می‌توانم به مهمترین آنها یعنی « نمایش بازی مرگ/ سوتفاهم توبه به مناسبت ورود اشکان نوکر شیطان پنج ثانیه برف تماشای روی چوب » اشاره کنم.

به نظر شما چرا فرهنگ و هنر ما هنوز اقتصادی نشده است؟

جواب به این سؤال بسیار سخت است اما در کل باید عرض کنم وقتی ما می‌توانیم از کاری درآمد داشته باشیم

آیا شما چشم اندازی میبینید که در حوزه های مختلف هنری زنان کشور ما بتوانند عناوین معتبر جهانی کسب کنند؟

واقعا بیش بینی این موضوع کمی سخت است. ما تابع قوانینی هستیم که شاید این کار را سخت میکند

امای شک باتوان زیادی در کشور داریم. که در توانایی انها شکی نیست

بسه نظر شما ورود افراد بسه چند شاخه هنر کار درستی است یا نه؟

من همیشه نسبت به هنر عقیده ام بر این بوده که در حیطه فعالیت خودم یعنی تاتر یک هنرمند باید نصب به زیر شاخه های دیگر هنر اطلاعات داشته باشد تا بتواند کار تخصصی خودش را به خوبی انجام دهد به طور مثال یک بازیگر باید کارگردانی، نویسندگی، طراحی لباس و طراحی صحنه و حتی با نور و صدا هم آشنایی داشته باشد و ارتباط میان تمام این زیر شاخه ها برایش قابل درک باشد تا بتواند بهترین خود را ارائه دهد

سخن آخرتان را می شنویم:

در پایان از شما و همکارانتان بابت توجه به هنر و همصحبتی بسیارمواظب و امیدوارم روزی هنر جایگاه اصلی خودش را در جامعه پیدا کند با هنر می‌تواند راه و روش درست زندگی مردم درست فکر کردن را به جامعه تزریق کرد.

پخش تله تئاتر بهتر از فیلم و سریال بی کیفیت است



محمد مروج، نویسنده و کارگردان تئاتر در گفت و گو با تسنیم درباره لزوم تولید تله تئاترها در تلویزیون گفت: «پخش تله تئاتر اگر بتواند مخاطب را با تئاتر و صحنه اجرا آشنا کند، بسیار قدم رو به جلویی خواهد بود. اگر ما هنر تئاتر را بسطی برای قشر اندیشمند جامعه بدانیم، پخش تله تئاتر آن هم از رسانه همگانی باعث می شود فکر کردن در میان مردم باب شود. از نظر من ساخت تله تئاترها از سریال و فیلم های بی کیفیت که روی آنتن می روند، بهتر است.»

وی افزود: «اگر کارگردانان برای ساخت تله تئاتر سراغ نمایشنامه های ایرانی بروند بسیار نقش خوبی در اشاعه فرهنگ ایرانی دارد. البته همه اینها منوط به این است که چقدر آن نمایش بتواند مخاطب را جذب کند. باید قبول کنیم در نمایش هایی که معرف چهره و اسطوره های ایرانی هستند، مقداری ضعف داریم.»

مروج با اشاره به عملکرد تلویزیون ادامه داد: «فرمولی که مدت هاست تلویزیون پیش می برد، نخ نما شده است و تنوعی در فیلم و سریال هایش نیست. چه

می شد که اگر تله تئاترها مجدداً تولید شوند و تلویزیون تنوع دوباره ای پیدا کند. به تازگی هم تله تئاتر متفاوتی از بچه های تئاتر به نام «کاتب اعظم» در تلویزیون دیده ام که می تواند در این راه آغازی باشد. وجود تنوع موجب جذب مخاطب می شود اما اگر رسانه ای تنها یک مدل محتوا برای ارائه داشته باشد مخاطب هم آن را پس می زند.»

اشکان خطیبی «اسفندیار رویین تن» می شود

اشکان خطیبی با
موسیقی - نمایش
«هفت خان اسفندیار»
به کارگردانی حسین
پارسایی مهر ماه امسال به
تالار وحدت می آید.
«هفت خان اسفندیار»
یکی از داستان های
مشهور شاهنامه اثر حکیم
ابوالقاسم فردوسی است
که حکایت سفر پرماجرایی
اسفندیار رویین تن به
قصد رهاندن خواهرانش
همای و به آفرید از چنگ
تورانیان را روایت می کند.
پیشتر حسام منظور،
محمد ریاضت، رضاراد،
مونا صوفی، نیکا افکاری،
سروین ضابطیان و
سایه پارسایی بازیگران
نقش های پشوتن، رئیس
قبیله و همای و به آفرید
(خواهران اسفندیار)
معرفی شدند.

■ رقابت ۴۸ نمایش در نوزدهمین جشنواره عروسکی

۴۸ نمایش در بخش های مختلف نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک باانتخاب سامان خلیلیان، رضا بهرامی، میترا کریم خانی، فاطمه سلجوقی و فهیمه باروتچی معرفی شدند. نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک از ۲۲ تا ۳۰ مهر سال جاری به دبیری هادی حجازی فرد در سه بخش بزرگسال، کودک، نوجوان و خانواده و فضای باز برگزار می شود.

رضا بابک در نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری:

بیشتر اُفت داشتیم تا خیز

آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افسراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند. بابک تأکید می‌کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت‌های این گروه سنی را در نظر بگیریم و به همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می‌کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه‌های بعد از آن زمین‌های برای فعالیت هنرمندان حرفه‌ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه رو به رشد خواهد رفت.

این هنرمند که از آغاز شکل‌گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می‌دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگلستان یک دست هم نمی‌رسد. در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می‌شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان رو به رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.

کودک و بزرگسال قرار گرفت. بابک تأکید می‌کند: خودسنجایی نباشد ولی مدعی هشتم نمایش‌هایی که ما در اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاترشهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر بود. اما در ۲۰، ۳۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و توک کارهای درخشان هم داشته‌ایم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و چه در دیگر مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تأملی است. او البته معتقد است وجود مولف‌هایی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی‌تأثیر نبوده و یادآوری نمایش‌های کودک را احسرا می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود

امریکایی و با حضور نویسندگانی سرشناس همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «ترب»، «کوتی موتی»، «عقاب»، «شایرک خانوم»، «خورشید خانوم آفتاب‌کن» (نوشته رضا بابک) شد.

رضا بابک و بهرام شاه محمدلو در کتاب خاطرات خود به تفصیل درباره تشکیل این گروه و فعالیت‌های آن پرداخته‌اند که در گزارش‌های بعدی به آن می‌پردازیم.

اما بابک در تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال‌های آغازین فعالیت خود تا به امروز طی شده، به این‌سان می‌گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می‌کردیم، بسیار حرفه‌ای‌تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودکان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می‌کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با معاصرین امروز نمایش‌های کودک بود. ضمن اینکه شکل اجراهای ما خیلی کودکانه نبود.

او یادآوری می‌کند: بعد از کانسون هم نمایش‌هایی مانند «الدوز و کلاغ‌ها» یا «کدو قلقلی» را کار کردیم که مورد توجه تماشاگران



فرهیخته و هنرشناس بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند. برای تشکیل این گروه به چند جوان سرانوزی و برانگیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند. بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرضیه پرومندی، رضا بابک، بهرام شاه محمدلو، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد.

این گروه زیر نظر دان لافسون، کارگردان

رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این سال‌ها اُفت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر اُفت داشته تا خیز.

به گزارش ایسنا، رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با هم‌راهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافسون ایجاد شد. هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می‌کردند، پرورش نسلی

نقد

نقد عملکرد بخش تئاتر کانون پرورش فکری

خانوم آفتاب کن «نوشته رضا بابک» شد. رضا بابک و بهرام شاه محمدلو در کتاب خاطرات خود به تفصیل درباره تشکیل این گروه و فعالیت‌های آن پرداخته‌اند که در گزارش‌های بعدی به آن می‌پردازیم. اما بابک در تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال‌های آغازین فعالیت خود تا به امروز طی شده، به ایسنا می‌گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می‌کردیم، بسیار حرفه‌ای‌تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودکان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می‌کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با مضامین امروز نمایش‌های کودکان بود. ضمن اینکه شکل اجراهای ما خیلی کودکانه نبود. او یادآوری می‌کند: بعد از کانون هم نمایش‌هایی مانند «الدوز و کلاغ‌ها» یا «کدو قلقلی» را کار کردیم که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت. بابک تأکید می‌کند: خودستایی نباشد ولی مدعی هستم نمایش‌هایی که مادر اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌بردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار جلوتر بود. اما در ۲۰، ۳۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و توک کارهای درخشان هم داشته‌ایم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و چه در دیگر مراکز تئاتر کودک مانند تالار هنر، کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تأملی است.

رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این سال‌ها افت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر افت داشته تا خیز.

به گزارش ایسنا، رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد.

هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرایی کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرشناس بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند.

برای تشکیل این گروه به چند جوان پرانرژی و پرتوان نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند.

بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرضیه برومند، رضا بابک، بهرام شاه محمدلو، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفید که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد.

این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان آمریکایی و با حضور نویسنده‌ای سرشناس همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «ترب»، «کوتی موتی»، «عقاب»، «شاپرک خانوم»، «خورشید

اشکان خطیبی «اسفندیار رویین تن» می شود
همدلی | اشکان خطیبی نقش «اسفندیار رویین تن» را در نمایش «هفت خان اسفندیار» ایفا می کند. به نقل از روابط عمومی سازمان هنری رسانه‌ای اوج، اشکان خطیبی با موسیقی - نمایش «هفت خان اسفندیار» به کارگردانی حسین پارسایی مهر امسال به تالار وحدت می آید. «هفت خان اسفندیار» یکی از داستان‌های مشهور شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی است که در هفت خان، حکایت سفر پرماجرایی اسفندیار رویین تن به قصد رها کردن خواهرانش همای و به آفرید از چنگ تورانیان را روایت می کند. پیش از این امین حیایی، غزل شاکری، الهام کردا، حسام منظور، محمد ریاضت، رضا راد، مونا صوفی، نیکا افکاری، سروین ضابطیان و سایه پارسایی به عنوان بازیگران این نمایش معرفی شدند. «هفت خان اسفندیار» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، برداشتی آزاد از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی به نویسندگی محمدرضا کوهستانی پاییز سال جاری با مشارکت بنیاد فرهنگی هنری رودکی در تالار وحدت اجرا می شود.

«ندا وفایی» کارگردان نمایش عروسکی «ریزجان» در گفت و گو با «همدلی»:

ما برای ساخت تئاتر عروسکی مکان دائمی نداریم



مجموعه‌های تلویزیونی «شهرک رنگین کمان»، «قصه‌های ملسو» و «کارگاه اسباب‌بازی‌ها» از آثار او در مقام کارگردان است. نمایش «ریزجان» نیز تاکنون در جشنواره‌های مختلفی شرکت و جوایز فراوانی کسب کرده که تندیس انجمن صنفی نمایشگران عروسکی به‌عنوان نمایش عروسکی برگزیده بیست‌وهفتمین جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان، برگزیده‌ی بخش موسیقی، صدایشگویی و عروسک‌گردانی بیست‌وهفتمین جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان، منتخب حضور در هجدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی نمایش عروسکی تهران مبارک برخی از این افتخارات‌اند. ندا وفایی در نمایش خود، داستانی درباره مفهوم حقیقی بزرگ شدن را برای کودکان روایت می‌کند. با کارگردان تئاتر عروسکی «ریزجان» به گفت‌وگو نشستیم.

احمدرضا حجازی زاده | این روزها یک اتفاق خوب در عرصه تئاتر عروسکی افتاده و آن اجرای نمایش موفق و پرافتخاری به نام «ریزجان» است. نمایش نام‌های این نمایش را، که در مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پارک لاله اجرا می‌شود، «هادی حسنعلی» نوشته و «ندا وفایی» کارگردانی کرده است. وفایی دارای مدرک کارشناسی کارگردانی تئاتر و تلویزیون است و سال‌هاست به‌عنوان عروسک‌ساز، عروسک‌گردان و مدرس نمایش عروسکی و خیمه‌شب‌بازی فعالیت دارد. او پیش‌از این در نمایش‌های عروسکی «تنها یک زمین داریم»، «تولد غم‌انگیز پسر آهنی»، «شاهزاده نمک»، «پهلوان کچل ۱۸ عیاری»، «یک نوکر و دو ارباب»، «سپاهی مبارک نمک صندوق»، «افسانه‌ی لالایی‌ها و دروغ‌ها»، «نفر پنجم» و «مبارک وارونه می‌شود» حضور و همکاری داشته. همچنین

تعمیر داشته باشم، پشتوانه‌ی از طرف کانون و همچنین گروه هم داشتم. من به این موضوع فکر می‌کردم که چند تا از کارهایی که برای جشنواره‌ی یونینما تولید و ضبط و ارسال شدند و حتی در خود جشنواره به معرض دید تماشاگران نرسیدند، توانستند اجرای عمومی بگیرند! این یک ضعف بزرگ است که نمایش عروسکی که کار پرهزینه‌ای است و عروسک و دکور بر اساس آن ساخته می‌شود، تولید بشود و به جشنواره‌ی آن برسد و به اجرای عمومی نرسد یا بعد از مدت‌ها به‌سختی اجرا بگیرد. به نظر من باید جایی یا فضایی وجود داشته باشد که ما بدانیم مدام کار عروسکی برای اجرا در آن فضا تولید می‌شود. این خیلی اتفاق بهتری است؛ چون کار عروسکی خیلی پرهزینه است و اگر به اجرا نرسد، تولید آن بی‌نتیجه است.

از سوی دیگر در شرایط اقتصادی موجود و کمک‌هزینه‌های پایین جشنواره‌ها و عدم حمایت مالی باعث می‌شود کم‌کم ما به سمت تولید آثاری برویم که عروسک‌های کوچکی دارند، فضای کوچک‌تر و عروسک‌گردان‌های کم‌تری نیاز دارد. مثل الان که من برای این اجرا مجبور شدم صداها را پلی‌بک ضبط بکنم. در واقع اجرا باید به لحاظ مالی برای اعضای گروه صرف داشته باشد. در این نمایش عزیزان گروه من لطف داشتند و همراهی‌ام کردند، ولی واقعاً شاید مجبور بشویم به سراغ کارهایی برویم که دو تا عروسک‌گردان و عروسک‌های جمع‌وجورتری دارند با دکور ساده‌تر. البته این ضعف کار نیست اما باعث کم‌شدن تنوع در تولید کارهای عروسکی می‌شود.

کار راضی بودم و دیدم صداها خوب و واضح از کار درآمدند و به فضای کار لطمه‌ای نمی‌زند. از طرفی اگر قرار بود نمایش را از حالت پلی‌بک خارج بکنم، باید به عوامل کار اضافه می‌شد، درحالی‌که با این شرایط اقتصادی و بیماری کرونا، چنین کاری منطقی نبود.

◀ آیا برای تولید این نمایش با مشکلات خاصی روبه‌رو بودید یا تولید بی‌دردسری داشتید؟

بزرگ‌ترین مشکل ما این بود که این کار در دوران کرونا شکل گرفت؛ از ابتدا تا الان که اجرای عمومی می‌رویم، ما نمی‌دانستیم باید تمرین بگذاریم یا نگذاریم. جشنواره‌ها مدام عقب می‌افتاد. باید تصمیم می‌گرفتم که الان چه چیزی به صلاح گروه است که هم کار را به ثمر برسانیم و هم این که اتفاقی برای کسی نیفتد. فارغ از این که مشکلات اقتصادی پیش آمد و هزینه‌های تولید خیلی بالا رفت. نمایش ما الان شش عروسک‌گردان دارد و به نظرم در شرایط کرونا، این تعداد هم زیاد بود برای تولید کار. خدا را شکر اتفاقی نیفتاد و بچه‌ها همت کردند و سر کار آمدند و نمایش شکل گرفت.

◀ وضعیت امروز تئاتر عروسکی به‌خصوص برای کودک و نوجوان - را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا شرایط تولید و اجرا برای گروه‌های اجرایی مناسب و مساعد است یا با موانعی روبه‌رو هستند؟

ببینید، من کارم را دو سال پیش به جشنواره یونینما فرستادم و الان توانستم نمایش را با حمایت کانون اجرا ببرم. این که محلی برای

کار را برای جشنواره بفرستیم، ولی در بیک‌های مختلف کرونا، تمرین کردن سخت بود. این نمایش هم صحنه‌های زیادی داشت و عوامل زیادی برای عروسک‌گردانی و صدایشگویی نیاز داشت؛ بنابراین بعد از یکسری تمرین که فضای کار و میزانسن‌ها مشخص شده بود، تصمیم گرفتم کار را به‌صورت پلی‌بک ضبط بکنم تا بتوانم با چهار نفر از صدایشه‌های عزیز صدای همه‌ی کاراکترهای نمایش را بگیرم.



همان سالی که تصمیم داشتم نمایش را کار بکنم، متن را برای فراخوان تولید آثار در کانون پرورش فکری هم فرستاده بودم و پذیرفته شد اما جریان کرونا پیش آمد. بعد از جشنواره‌ی یونینما قرار بود در کانون اجرا بروم، منتها باز هم بیک‌های مختلف کرونا اجرای ما را عقب انداخت تا این که فراخوان جشنواره‌ی همدان آمد. برای آن جشنواره فکر کردم کار را از پلی‌بک دربیارم و با صدای زنده کار بکنم، ولی باز با کرونا و عقب‌افتادن جشنواره روبه‌رو شدیم. علاوه بر این، من از ضبط پلی‌بک

◀ شما در اجرای نمایش «ریزجان» از انیمیشن استفاده کرده‌اید که نمایش را دیدنی‌تر و دوست‌داشتنی کرده اما به نظر استفاده از انیمیشن‌ها برای روایت سفر ریزجان خیلی محدود است. می‌شد پیش‌تر از آن بهره برد. ابتدا بفرمایید انیمیشن چگونه به اجرای نمایش عروسکی «ریزجان» اضافه شد و چرا کاربرد انیمیشن در اجرا محدود است؟ آیا بهتر نبود به جای انیمیشن، از تکنیک سایه‌بازی استفاده می‌کردید؟

اگر می‌خواستیم نمایش را به شک سایه‌بازی کار بکنم، به یکسری عروسک‌گردان دیگر نیاز داشتم که به لحاظ اقتصادی مقرون‌به‌صرفه نبود. تمرین گذاشتن هم با این تعداد بالا بازبگر، ریسک بود. پس تصمیم گرفتم به‌جای سایه از انیمیشن استفاده بکنم اما انیمیشن را طوری به کار ببرم که نزدیک باشد به تکنیک و عروسک سایه.

◀ حالا که تماشاگران، عروسک‌گردان‌ها را روی صحنه می‌بینند، چرا صدایشگویی شخصیت‌ها را به‌صورت زنده و با استفاده از میکروفن (هاشفت) به بازبگران نرسپدید؟ گرچه صدای دیالوگ‌ها واضح و شفاف ضبط شده‌اند، اما به نظر می‌رسد صدای پلی‌بک برای قطعه‌های آوازی اکتفا می‌کرد و شاید بهتر بود دیالوگ‌ها را خود عروسک‌گردان‌ها به زبان می‌آوردند...

ما هنگام تولید کار به کرونا برخوردیم. من بخشی از عروسک‌ها را تقریباً ساخته بودم اما فراخوان جشنواره‌ی یونینما آمد و تصمیم گرفتم

رقابت ۸۴ اثر در جشنواره نمایش عروسکی

۴۸ نمایش در بخش های مختلف نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک به رقابت با هم می پردازند. با پایان کار بازبینی آثار ارسال شده به دبیرخانه جشنواره، هیأت انتخاب بخش بزرگسال، بخش کودک، نوجوان و خانواده و بخش فضای باز نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک، نمایش های برگزیده خود را برای رقابت در ۳ بخش جشنواره معرفی کردند. در بخش بزرگسال، از بین ۱۶۷ نمایش ثبت نام شده در بخش بزرگسال، فیلم ۸۴ اثر در مهلت مقرر به دبیرخانه رسید که از میان آنها ۱۷ اثر از سوی هیأت انتخاب برای رقابت در این بخش انتخاب شدند. از میان ۱۷ نمایش ۳ کار مشروط هست. بخش کودک، نوجوان و خانواده از بین ۲۱۹ نمایش ثبت نام شده در بخش کودک، نوجوان و خانواده، فیلم ۱۴۵ اثر در مهلت مقرر به دبیرخانه رسید که از میان آنها، ۱۸ اثر از سوی هیأت انتخاب برای رقابت در این بخش انتخاب شدند. از میان این ۱۸ اثر، ۴ نمایش به شکل مشروط پذیرفته شده اند. همچنین در بخش فضای باز از بین ۱۲۷ نمایش ثبت نام شده در بخش فضای باز، فیلم ۷۶ اثر در مهلت مقرر به دبیرخانه رسید که از میان آنها ۱۳ اثر از سوی هیأت انتخاب برای رقابت در این بخش انتخاب شدند.



مسافر آستانه دبیر «استعدادیابی بازیگری» شد



اولین فراخوان استعدادیابی بازیگری با دبیری حسین مسافرآستانه بزودی آغاز به کار می کند. حسین مسافرآستانه کارگردان، بازیگر و مدرس شناخته شده عرصه تئاتر در اولین فراخوان استعدادیابی بازیگری که بزودی توسط بنیاد هنرمندان مهرآفرین برگزار خواهد شد، به عنوان دبیر منصوب شد.

این فراخوان بازیگری با مدیریت محمدحسین لطیفی نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون قرار است در سطح ملی و با حضور اساتید مجرب و شناخته شده سینما، تئاتر و تلویزیون در شهرک سینمایی غزالی برگزار شود. ثبت نام برای حضور در این فراخوان بزودی از طریق سایت آغاز می شود. اطلاعات تکمیلی تر درباره این رویداد هنری نیز ظرف روزهای آتی از طریق همین سایت اطلاع رسانی خواهد شد.

اولین فراخوان استعدادیابی بازیگری زیر نظر بنیاد هنرمندان مهرآفرین به مدیر عاملی محسن زارع اشکذری برگزار می شود. کارآفرینی، بیمه، اعطای وام، و... از جمله خدماتی است که این سازمان مردم نهاد با مجوز رسمی از وزارت کشور در آینده ای نزدیک به هنرمندان ارائه خواهد کرد.